اخبار

تجلیل از شاعران خادم‌الشهدا در «ترنم پرواز»

در مراسم «ترنم پرواز» با حضور اهالی فرهنگ از شاعران خادم‌الشهدا تجلیل شد. به گزارش تسنیم، سالن سوره حوزه هنری میزبان اهالی ادب و هنر و همچنین خانواده شهدا بود که برای پاسداشت شأن و مقام والای شعرا و نویسندگان شهید، در کنگره تخصصی شعر و ادبیات کنگره سراسری ۲۰۰۰ شهید هنرمند به نام «ترنم پرواز» دور هم گرد آمده بودند. مرتضی امیری‌اسفندقه، شاعر و پژوهشگر شعر که در بخش تقدیر از شاعران خانواده شهدا، از چهره‌های تجلیل‌شده این مراسم بود در سخنانی کوتاه اظهار کرد: بسیار خوشحالم پس از چندین سال شکیبایی، فرید عزیز(قادر طهماسبی) را در جمع شعرا می‌بینم و اتفاق بهتر این است که فرید در محفل و جمعی حاضر شده است که به نیت پاسداشت شهداست، زیرا او از فعالان و چهره‌های تاثیرگذار عرصه ادبیات ایثار و شهادت است. پس از سخنان امیری‌اسفندقه مراسم تجلیل از «شعرای خادم‌الشهدا» با حضور خانواده‌های مرحوم ابوالفضل سپهر، مرحوم حبیب‌الله معلمی، مرحوم قاسم سروی‌ها و مرحوم نصرالله مردانی برگزار شد. پس از این بخش نوبت به تجلیل از شاعران خانواده شاهد رسید که در این بخش مرتضی امیری‌اسفندقه، هادی خورشاهیان و حمیدرضا حامدی مورد تجلیل قرار گرفتند. در پایان هم از استاد حمید سبزواری به عنوان پدر شعر انقلاب اسلامی و از فعال‌ترین شاعران حوزه ادبیات دفاع‌مقدس تجلیل به عمل آمد و همه حاضران برای شفای عاجل این استاد ادبیات دعا کردند.

■■■

پرویز پرستویی:

«بادیگارد» برای دفاع از نظام است

برای نخستین بار بخش‌هایی از فیلم «بادیگارد» ساخته جدید ابراهیم حاتمی‌کیا در گزارش بخش خبری ۲۰:۳۰ از شبکه ۲ سیما پخش شد، این در حالی است که خبر، عکس و فیلم از آثار سینمایی حاتمی‌کیا، خیلی سخت به رسانه‌ها درز می‌کند و از این رو تصاویر پخش شده در بخش خبری ۲۰:۳۰ رونمایی از اولین تصاویر فیلم «بادیگارد» به حساب می‌آمد. در این گزارش پرویز پرستویی، بازیگر نقش «حیدر» در این فیلم درباره همکاری دوباره‌اش با حاتمی‌کیا گفت: «بادیگارد» تجربه بسیار شیرینی برای من بود. حیدر که در «بادیگارد» حضور دارد خود را بادیگارد نمی‌داند بلکه ایثارهایی که می‌کند و از همه چیز خود مثل همسر و فرزند خود می‌گذرد برای این است که وظیفه حفاظت را حراست از اعتقاد و ایمان خودش می‌داند. در یک جمله درباره نقش «حیدر» در این فیلم باید بگویم که او در نهایت دچار شک می‌شود و این شک گره داستان «بادیگارد» است. پرستویی با اشاره به اینکه این فیلم هیچ شباهت و ربطی به «آژانس شیشه‌ای» ندارد، گفت: دیالوگ شاخصی که در «بادیگارد» است دفاع کردن از نظام و شخصیت نظام است.

■■■

افزایش آثار سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

۶ نمایش ایرانی به بخش مسابقه «تئاتر ایران» و ۲ نمایش ایرانی و یک نمایش خارجی نیز به بخش مسابقه بین‌الملل سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی «تئاتر فجر» اضافه شدند. به گزارش ستاد خبری جشنواره، با هدف مشارکت افزون‌تر آثار حاضر در جشنواره در بخش رقابتی مسابقه تئاتر ایران و همچنین درخواست‌های عدیده و نیز ملاحظه چندباره جدول اجراهای جشنواره، دبیرخانه ظرفیت‌های تازه‌ای را برای پذیرش چند اثر در بخش‌های دوگانه مسابقه تئاتر ایران و مسابقه بین‌الملل فراهم کرد و بر این اساس نمایش‌های: آنسفالیت نوشته و کار سیاوش بهادری‌راد، وقتی ما مردگان بر می‌خیزیم نوشته سمیرا اتفاق و کارگردانی شهاب آگاهی و هیولاها نوشته و کار لارنت فرانی از کشور فرانسه به بخش مسابقه تئاتر بین‌الملل سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر اضافه شدند. همچنین در بخش مسابقه تئاتر ایران نیز نمایش‌های اروند خون نوشته ایوب آقاخانی و کارگردانی کورش زارعی، چشم بر هم زدن نوشته محمد زارعی و کارگردانی محمد زیگساری، خانم نوشته و کار امیرحسین طاهری، دو روی روایت نادری نوشته خیرالله تقیانی‌پور و کارگردانی جواد نوری، زبان اصلی نوشته و کار رسول کاهانی و یک زندگی بهتر نوشته مسعود هاشمی‌نژاد و کارگردانی محمدرضا مرتضوی به آثار جشنواره اضافه شدند.

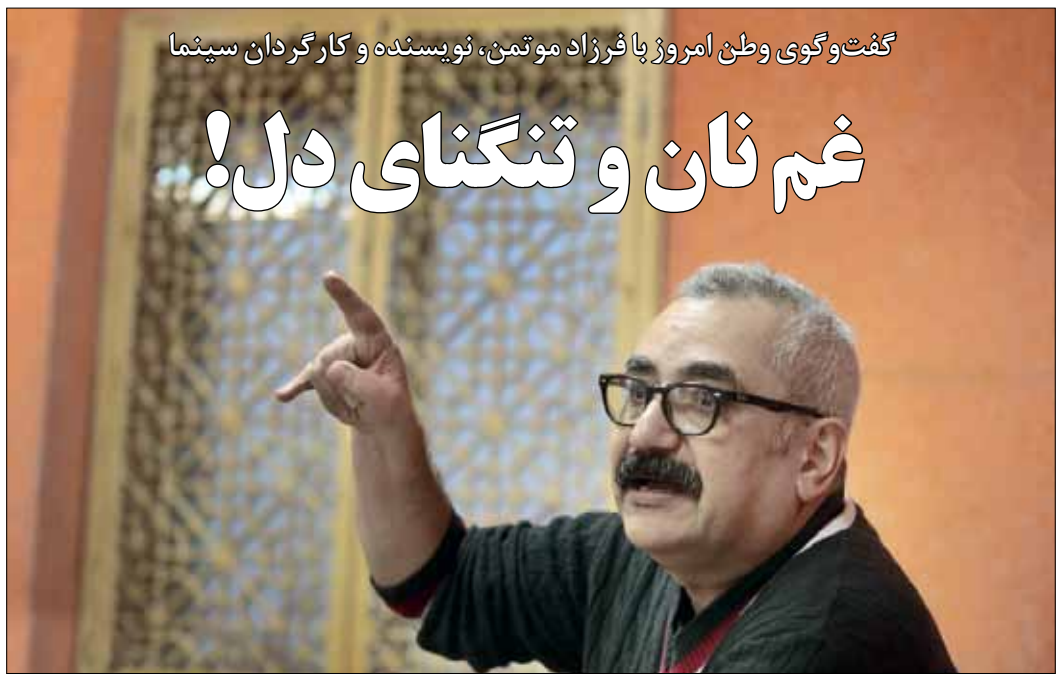

گفت‌وگوی وطن امروز با فرزاد موتمن، نویسنده و کارگردان سینما

غم نان و تنگنای دل!

مرتضی اسماعیل دوست: آثار جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر در سودای رسیدن به «سیمرغ» آماده حضور می‌شوند و یکی از آثار راه‌یافته به این جشن سالانه، فیلم «آخرین بار کِی سحر را دیدی؟» ساخته فرزاد موتمن است. فیلمسازی که آثاری ماندگار چون «شب‌های روشن» و فیلم‌هایی بی‌سر و سامان! چون «پوپک و مش‌ماشاالله» را در کارنامه دارد. به بهانه اکران فیلم «سایه‌روشن» و اطلاع از جدیدترین ساخته این کارگردان با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■ با فیلم «آخرین بار کِی سحر را دیدی؟» در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر حضور دارید. آخرین ساخته‌تان در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

فیلمبرداری و مراحل فنی فیلم «آخرین بار کِی سحر را دیدی؟» انجام شده و تنها در مرحله تصحیح رنگ قرار دارد و امیدوارم حضور خوبی در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر داشته باشیم.

■ ایده و طرح فیلمنامه این کار چه مشخصاتی داشت که شما را علاقه‌مند به ساختش کرد؟ و در چه ژانر و موضوعی ساخته شده است؟

این فیلم بر مبنای ژانر پلیسی با پس‌زمینه اجتماعی ساخته شده است و در آن سعی کردم فضای متفاوتی از آثار گذشته‌ام را تجربه کنم. طرح و ایده فیلمنامه از امیر عربی بوده و زمانی که فیلمنامه را خواندم آنقدر جاذبه هیجان‌انگیزی داشت که مرا ترغیب کرد آن را بسازم و بعد از اینکه وارد پروژه ساخت شدم، مایه‌های پلیسی فیلم پُررنگ‌تر شد.

■ خلاصه داستانی از این فیلم را ارائه می‌کنید؟

این فیلم را می‌توان درامی جست‌وجوگرایانه نامید. برای معرفی خلاصه داستان فیلم فکر می‌کنم بیان یکی از سکانس‌ها می‌تواند معرف خوبی باشد که در آن آمده است: «صبح است. زنی سراسیمه وارد کلانتری می‌شود و به افسر نگهبان می‌گوید دخترش، سحر دیشب به خانه بازنگشته است».

■ مختصات ژانر پلیسی چندان در سینمای ایران مورد توجه قرار نگرفته و چند فیلم ناموفق در این سال‌ها ماحصل کار بوده است. رویکرد شما در فیلم «آخرین بار کِی سحر را دیدی؟» چگونه است؟

این فیلم کاملا متفاوت از آثار گذشته سینمای ایران است و واقعا با تمام معنا یک درام پلیسی و ایرانی است. من تمام سعی خود را کردم وفادار به ژانر پلیسی باشم و تصویری واقعی و ملموس از پلیس ایرانی در این فیلم ارائه دهم.

■ پس ایرانی بودن شخصیت در این فیلم برای‌تان مهم بود، چرا که در برخی فیلم‌ها با پلیسی گرته‌برداری‌شده از آثار غربی مواجه هستیم.

پلیسی که ما در فیلم ارائه می‌دهیم هیچ شباهتی با پلیس‌های غربی ندارد، به دنبال این بودیم تا کاراکتری آشنا برای مخاطب ایرانی بسازیم و امیدواریم چنین اتفاقی افتاده باشد.

■ با توجه به اینکه علاقه‌مند به آثار کلاسیک سینما هستید، فیلمی را برای ساخت «آخرین بار کِی سحر را دیدی؟» مورد الهام قرار ندادید؟

حقیقتش اینچنین نبوده است. به دلیل اینکه بیشتر صحنه‌های فیلم درباره بازجویی است و بافتی اینچنینی دارد، بیشتر فیلم‌های مهم دادگاهی را برای فصل‌هایی که در فیلم نیاز داشتم، دیدم و در واقع برخی فیلم‌های قدیمی تاریخ سینما در این بخش را مرور کردم.

■ به نظرتان دلیل غفلت سینمای ایران از آثار پلیسی و جنایی چه می‌تواند باشد؟ آیا این ژانر قابلیت همراهی طیف گسترده‌ای از مخاطبان ایرانی را دارد؟

به نظرم بشدت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و اگر در سینمای ایران به ژانر پلیسی توجه نشده است، به این دلیل بوده که ما ادبیات پلیسی و جنایی چندانی نداریم که مورد اقتباس برای اجرا قرار گیرد و پشتوانه روشنی برای استفاده نویسنده‌ها وجود ندارد در صورتی که در خارج از کشور ادبیاتی غنی در زمینه‌های پلیسی و جنایی موجود بوده و دست فیلمساز برای تولید باز است.

■ با وجود اینکه در سال‌های مختلف شاهد قاتلان جنجالی و حوادث دردناکی در کشور بودیم!

باید این را دقت کنیم که با رشد جمعیت کشور و گسترش جامعه، میزان جرم و جنایت و اتفاقات جنایی به شکل وحشتناکی افزایش یافته است. شما خودتان مطبوعاتی هستید و اخبار روزمره را دنبال می‌کنید و می‌بینید چقدر حوادث دردآوری در نقاط مختلف کشور رخ می‌دهد. با وجودی که در کشور ما برخلاف کشورهای دیگر سازمان‌های مخوفی مانند یاکوزا و مافیا وجود ندارند اما شاهد قتل‌های فجیعی بودیم که عمدتا در فضای شهری اتفاق می‌افتد.

■ یعنی فجایع در بستری اجتماعی روی می‌دهد؟

بله! در بستری اجتماعی و اغلب به دلایل اخلاقی و مالی صورت می‌گیرد. باید بیشتر به اینگونه اتفاقات در کشور حساس باشیم، چرا که با زندگی خانواده‌های ما در ارتباط خواهد بود. هر کدام از اتفاقات و جنایاتی که رخ می‌دهد می‌تواند منبع قابل توجهی برای نگارش فیلمنامه و ساخت فیلم باشد و حداقل تلنگری برای بررسی علل و عوامل حوادث به حساب آید.

■ شاید محدودیت‌هایی که برای اجرای سکانس‌های خارجی آثار پلیسی و جنایی وجود دارد، مانعی برای رغبت فیلمسازان در ساخت اینگونه آثار شده است؟ شما برای تولید فیلم «آخرین بار کِی سحر را دیدی؟» با معضلاتی مواجه نشدید؟

مشکلی برای ساخت فیلم پیش نیامد و به راحتی در سطح شهر توانستیم فیلمبرداری کنیم، حتی یکی از لوکیشن‌های فیلم در اداره آگاهی بود که مسؤولان پلیس و موسسه ناجی هنر همکاری خوبی با عوامل فیلم داشتند تا بتوانیم در مکانی واقعی با شرایطی مطابق با داستان فیلمبرداری کنیم یعنی سکانس‌هایی را در کنار مردم و همراه با پلیسی واقعی ضبط کردیم که به ساختار فیلم خیلی کمک کرد. به نظرم شرایط فیلمبرداری، محدودیتی برای ساخت فیلم‌ها در ژانرهای مختلف نخواهد بود و ما در هر نقطه‌ای از شهر می‌توانیم فیلم بسازیم به طوری که اغلب سکانس‌های فیلم ما در جنوب تهران و مناطق شلوغ فیلمبرداری شد، مشکلی هم پیش نیامد و مردم همکاری خوبی داشتند.

■ بازیگران این فیلم بر چه اساس و تابع چه خصوصیاتی انتخاب شدند؟

در واقع دو گونه بازیگر در این فیلم داریم که بخشی از آن مربوط به بازیگران کارکشته و باسابقه‌ای مانند فریبرز عرب‌نیا، سیامک صفری، آتیلا پسیانی و ژاله صامتی است و در کنار آنها تعداد بسیاری از بازیگران جوان مانند روشنک گرامی، امیرحسین فتحی، محمدرضا غفاری، علیرضا ثانی‌فر و بهاران بنی‌احمدی حضور دارند. در عین حال بازیگری مانند آناهیتا درگاهی را داریم که برای اولین بار جلوی دوربین ظاهر می‌شود.

■ معمولا در آثار شما بازیگران جوان و ناشناخته بسیاری حضور یافته‌اند، چنانکه هانیه توسلی در زمان ساخت فیلم «شب‌های روشن» چهره چندان شناخته‌شده‌ای نبود. دلیل استفاده از این بازیگران ناشناخته در آثارتان چیست؟

به هر حال باید از چهره‌های جوان و برخی شاگردانم در آثارم استفاده کنم و همانطور که اشاره کردید در همه فیلم‌هایم چهره‌هایی حضور یافتند که بعدها شناخته شدند. برای نمونه می‌توانم از طناز طباطبایی در فیلم «صداها» نام ببرم. در فیلم «آخرین بار کِی سحر را دیدی؟» هم برای برخی نقش‌های کوچک از هنرجویان کلاس‌هایم استفاده کردم که ناشناخته هستند. آنها بالاخره باید از جایی شروع کنند و من به‌عنوان استادشان متعهد هستم از وجود استعدادهای مناسب در سینما استفاده کنم.

■ حضور فریبرز عرب‌نیا در فیلم‌تان بعد از مدتی کم‌کاری قابل توجه خواهد بود.

خیلی خوشحال بودم که برای سومین بار بعد از فیلم‌های «هفت پرده» و «باج‌خور» با فریبرز عرب‌نیا کار خواهم کرد و این همکاری بعد از گذشت ۱۲ سال شیرین بود. به نظرم فریبرز عرب‌نیا در فیلم جدیدم خیلی دیدنی است.

■ بپردازیم به فیلم «سایه‌روشن» که پس از ۲ سال به اکران درآمد. فیلمی که سویه‌های روانشناسانه و فلسفی در آن می‌توان یافت.

فیلم «سایه‌روشن» خیلی مورد توجه جامعه روانشناسان قرار گرفته است و چندی پیش سمیناری بود با حضور جمعی از روانشناسان بالینی که ۲ رساله درباره روانکاوی شخصیت رامین در فیلم خوانده شد که برایم جالب بود و به جای حرف زدن کاملا گوش کردم و واقعا کلی یاد گرفتم و ابعادی از سایه‌های فیلم برایم روشن است. در واقع آن روانشناسان به من کمک کردند فیلم خودم را بهتربشناسم!

■ با توجه به اینکه شما را با آثاری عاشقانه به یاد می‌آورند، ساخت این نوع درام روانکاوانه دنباله‌ای از سلیقه شخصی شما بوده است؟

به هر حال دوست دارم سراغ ژانرهایی بروم که در سینمای ایران تجربه نمی‌شود. ما از دیرباز آثار شناخته‌شده سینمای جهان مانند «پیشخدمت»، «سه زن»، «چشماتو باز کن»، «نردبان جیکوب» و «بزرگراه گمشده» را که لحظاتی از آنها در فیلم «سایه‌روشن» دیده می‌شود در خاطر داشته و بسیار دوست داشتیم. البته «سایه‌روشن» به لحاظ کارگردانی آنقدر کار مشکلی بود که دوست ندارم دیگر چنین تجربه‌ای را تکرار کنم!

■ در آثار چندلایه دیوید لینچ و کریستوفر نولان و در فیلم‌هایی مانند «جزیره شاتر» ساخته اسکورسیزی هم مرز باریکی میان واقعیت و توهم وجود دارد که دامنه‌ای گسترده از نظرگاه‌ها را به دنبال خود خواهد داشت.

بله! البته نگاهی که در فیلم «سایه‌روشن» وجود دارد خیلی رادیکال‌تر از آثاری مانند «سرآغاز» نولان است. شما ببینید در فیلم «سرآغاز» بالاخره یک خط داستانی می‌توان یافت که در فیلم «سایه‌روشن» کمتر وجود دارد و در این فیلم اصولا ۲ لایه برداشتی می‌توان پیدا کرد که یکی لایه روایی است و دیگری مربوط به این می‌شود که شخصیت کلا دارد خواب می‌بیند.

■ و مرز میان این خواب‌زدگی و واقع‌نمایی در فیلم «سایه‌روشن» کاملا در هم تنیده می‌شود.

همین طور است و ما در فیلم چندان نمی‌توانیم تشخیص دهیم که شخصیت در کجاها خواب می‌بیند و کجا در واقعیت به سر می‌برد؛ برای اینکه فیلم می‌خواهد به ما بگوید بسیاری از باورهایمان از زاویه نگاهی است که در آن قرار داریم در حالی که ممکن است واقعیت از منظر دیگران شکلی کاملا متفاوت داشته باشد. ما در این فیلم باید صحنه‌ها را طوری نشان می‌دادیم که در عین واقعی بودن همچون کابوسی برای مخاطب به نظر بیاید و این مساله در اجرا کار سختی بود.

■ لوکیشن محدود و شکل هندسی فضای روایی و نوع میزانسن و نورپردازی سایه‌روشن‌وار در فیلم به القای حس وهم‌گرایانه اثر کمک کرده است.

بله! فضاسازی نقش برجسته‌ای در انتقال حس فیلم و شرایط روانی کاراکتر داشت و سعی ما در اجرا و فرمی که به کار بردیم بر همین مبنا بوده است. در فیلم «سایه‌روشن» زمان متوقف مانده و حتی هیچ ساعتی وجود ندارد. برای نمایش متوقف بودن زمان فیلم، لوکیشن ثابت مانده و شکلی از انجماد دارد و در این میان آکسسوارها تغییر می‌یابند. ما در فیلم می‌بینیم زمانی که میترا، زن خانه است با زمانی که سایه حضور دارد، شکلی متفاوت دارد. در این فیلم لوکیشن ثابت بوده و اشیا تغییر می‌یابند تا بتوانیم وارد فضای ذهنی پر از سوءتفاهم شخصیت شویم. مواردی که شما عنوان کردید براساس همین نگاه شکل گرفت.

■ در فیلم از طریق نشانه‌هایی مشخص به دنبال هدایت مخاطب به سمتی از واقعیت یا خیال نبودید؟

واقعا در این فیلم نمی‌توان به هیچ قطعیتی از واقعیت یا خیال رسید و چنان در هم تنیده شده‌اند که تمایز آن ناممکن است. حرف نهایی در کلام رامین نمایان می‌شود که می‌گوید: «اهمیت یک قصه در حقیقتی نیست که افشا می‌کند بلکه در رمز و رازش است.» «سایه‌روشن»، فیلم رمز و راز است نه حقیقت، چرا که نمی‌توانیم به حقیقت دست یابیم.

■ در فیلم شاهد این هستیم که شخصیت‌های پیرامون به دنبال تزریق حقیقت مورد نظر خود به ذهن خاموش رامین هستند. از این مساله می‌توان تحلیلی از فرصت‌طلبی افراد برای مصادره رویدادها داشت!

بله، ما در فیلم ۲ نوع رامین را می‌بینیم، یکی رامین پیش از سقوط است که شخصیتی کاملا قلدر، زورگو و نیز به دلیل نویسنده بودن بسیار باهوش و حاضرجواب است اما بخش متمایز این شخصیت وقتی است که دچار حادثه فراموشی شده است. در این شرایط تبدیل به کودکی می‌شود، چرا که اصولا اطلاعاتی ندارد و از این نظر کاملا رام شده دیگران است و برای همین رامین نام دارد. از این رو در دوران فراموشی این شخصیت، ۲ زن با اطلاعاتی که دارند او را به هر طرفی که دوست دارند، می‌کشند.

■ می‌توان از فیلم تعابیر فرامتنی فلسفی یا سیاسی مبنی بر سوءاستفاده از غفلت دیگران و قدرتخواهی نیز داشت؟

والله این مسائل را باید منتقدان و مخاطبان بیان کنند و من به همه جنبه‌های فرامتنی اثر نمی‌توانم آگاهی داشته باشم. در ابتدای فیلم، رامین جسدی است که در عین حال نشانه‌هایی از حیات هم در او دیده می‌شود! وقتی بلند می‌شود اولین دیالوگی که رو به آینه می‌گوید این است که «تو کی هستی؟» پس این فیلم دارای هویت است و هویت همان حقیقت است. رامین در ابتدا پرتاب شده و طبق روایت میترا کشته می‌شود، هر چند در روایت سایه کشته نشده است و این اختلاط نگاه‌هایی ذهنی است که می‌توان از آن تعابیر مختلفی داشت.

■ در سال‌های اخیر سینمای ایران علاقه‌مند به تولید آثاری با پیش‌زمینه توهم‌گرایانه بوده است. فیلم‌هایی همچون «پله آخر»، «رخ دیوانه» و «اعترافات ذهن خطرناک من» از جمله آنها به شمار می‌آید. شما با «سایه‌روشن» روایتی رادیکال‌تر در این فضا صورت دادید؟

فیلم‌هایی مانند «رخ دیوانه» که با انتظارات مخاطبان بازی می‌کنند اما در نهایت به آنها جواب می‌دهند، به لحاظ تجاری می‌توانند مورد پسند قرار گیرند اما آثاری مانند «سایه‌روشن» با مخاطبان محدودتری ارتباط برقرار خواهند کرد البته مساله فوق بدین معنا نیست که تجربیاتی اینچنینی نداشته باشیم، چرا که باید مخاطب یاد بگیرد انواع فیلم‌ها از جمله آثار پیچیده را نگاه کند و در ذهن خود دوباره آنها را بسازد.

■ آثاری که در سکانس‌های داخلی ساخته‌اید، برخلاف فیلم‌های دیگرتان مانند «پوپک و مش ماشاالله»، «بیداری» و «خداحافظی طولانی» موفق درآمده‌اند. با توجه به تبحری که در ساخت چنین فضاهای محدودی دارید، علاقه‌مند نیستید بیشتر سراغ ساخت اینگونه آثار بروید؟

به نظرم در فیلم «خداحافظی طولانی» هم فضای خوبی درآمده است. به هر حال هر فیلم اقتضای خاص خود را در شکل ارائه دارد. خودم دوست دارم تجربه ساخت فیلم در ژانرها و موضوعات مختلف را داشته باشم.

■ دوست ندارید با توجه به اینکه آثار ماندگاری چون «شب‌های روشن» و «صداها» را در فضاهایی محصور بخوبی روایت کرده‌اید، بیشتر متمرکز به این نوع فیلم‌ها شوید؟

چرا، دوست دارم اما آنوقت بچه‌ام از گرسنگی خواهد مُرد!

■ پس سلیقه شخصی‌تان اینگونه فیلم‌ها است؟

بله! غم نان اگر بگذارد! من به دنبال روح فیلم‌هایی هستم که بین سینمای کلاسیک و مدرن پُل می‌زنند و در حال رفت و آمد هستند. ترجیح من اینگونه آثار است.

■ به اعتقاد بسیاری از افراد، دلیل توفیق سه‌گانه «هفت پرده»، «شب‌های روشن» و «صداها»، وجود نویسنده‌ای خلاق همچون سعید عقیقی بوده است.

آن ۳ فیلم جزو بهترین فیلم‌هایم هستند اما من واقعا فیلم «سایه‌روشن» را در کنار آن فیلم‌ها قرار می‌دهم.

■ آن آثار چقدر مرهون وجود فیلمنامه‌نویس خود هستند؟

همه فیلم‌هایم مرهون فیلمنامه‌های خود هستند

■ اما برخی فیلم‌های‌تان با اقبال منتقدان و مخاطبان مواجه نشدند.

اگر برخی آثارم بهتر بودند به دلیل فیلمنامه‌های موفق آنها بوده، اگر هم موفق نبودند باز به خاطر فیلمنامه‌های آنها بوده است و رابطه مستقیمی با اثر نهایی دارد.

■ با توجه به آثار ارزنده‌ای که با قلم سعید عقیقی شکل گرفت، چرا این همکاری ادامه نیافت؟

واقعا نمی‌دانم چرا ادامه نیافت. به هر حال سعید از یک جایی، دیگر برای من ننوشت. این عدم همکاری مشکل من نبوده است.

■ ایشان از نتیجه همکاری‌ها و ثمره آثار ساخته شده رضایت داشتند؟

واقعا مساله‌ای پیش نیامده بود. به نظرم سعید عقیقی هر ۳ این فیلم‌ها را خیلی دوست دارد. به هر حال او از جایی تصمیم گرفت برایم ننویسد.

رویدادها

تقدیر از حاتمی‌کیا و سلحشور در کنگره شهدای فیلم و سینما

حجت‌الاسلام علیرضا رستگاران، دبیر کنگره جاودانه‌های نور و تصویر شهدای هنرمند گفت: در این کنگره از ابراهیم حاتمی‌کیا، فرج‌الله سلحشور، نرگس آبیار و حسین مهدویان تقدیر و تجلیل به عمل می‌آید. دبیر کنگره جاودانه‌های نور و تصویر شهدای هنرمند اضافه کرد: امروز در فضای جامعه هنری نشان داده شده که بشدت به پیام هنرمندان شهید نیاز داریم. کنگره جاودانه‌های نور و تصویر شهدای هنرمند روز دوشنبه ۲۸ دی‌ماه از ساعت ۱۸:۳۰ در سالن کوثر سازمان صداوسیما و با حضور جمع کثیری از هنرمندان عرصه تلویزیون و سینما و خانواده شهدای این عرصه با آیین نکوداشت و سپاس از مقام شهدا و خدمتگزاران هنرمند برگزار می‌شود. وی افزود: در مراسم روز دوشنبه تقدیر از ۶ خانواده شهید عرصه هنر از جمله خانواده شهیدان حسن هادی، احمد آریایی، فلاحت‌پور، محمدعلی شاه‌مرادی، منوچهر کریمی و پیمان بزرگ‌زاده و نیز خانواده پدیدآورندگان آثار ویژه در این عرصه انجام می‌شود.

■■■

همراه با انیمیشن «فهرست مقدس» در جشنواره فیلم فجر

نام انیمیشن سینمایی «بازگشت» که قرار است در جشنواره فیلم فجر رونمایی شود به «فهرست مقدس» تغییر یافت. «فهرست مقدس» که توسط محمد همدانی و در خانه انیمیشن اوج ساخته شده است، روایتگر یک داستان تاریخی برگرفته از قرآن است که ماجرای آن در شهر نجران کشور یمن می‌گذرد و زمان آن به ۱۰۰ سال قبل از ظهور دین اسلام بازمی‌گردد. این انیمیشن سینمایی روایتی دراماتیک، رمانتیک و تراژیک دارد و داستان آن براساس سفر قهرمان فیلم با نام «هاران» شکل گرفته است. محور اصلی انیمیشن «فهرست مقدس» به تعریف جدیدی که نظام سرمایه‌داری از یهودیت ارائه می‌کند اختصاص دارد که در این تعریف جدید، دین یهود سعی دارد مسیحیت را با خود و بر ضداسلام همراه کند. عوامل این انیمیشن سینمایی عبارتند از تهیه‌کننده و کارگردان: محمدامین همدانی، نویسنده: هومان فاضل، مدیر تولید: وحید چالاک، مصطفی شاهمردانی و حسین صفارزادگان، مدیر دوبلاژ: مریم شیرزاد، موسیقی: بهزاد عبدی، تدوین: محمدامین همدانی، محصول سازمان هنری - رسانه‌ای اوج.

■■■

وحشت صهیونیست‌ها از برگزاری مسابقه کاریکاتور درباره هولوکاست

رژیم صهیونیستی از دبیرکل سازمان ملل خواست اقدام ایران برای برگزاری مسابقه کاریکاتور هولوکاست را محکوم کند. پایگاه خبری «تایمز اسرائیل» در این باره نوشته است: «یولی ادلشتین» رئیس کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) از «بان کی‌مون» دبیرکل سازمان ملل درخواست کرد تا یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی دوسالانه کاریکاتور با موضوع «هولوکاست» در ایران را محکوم کند. قرار است این رقابت، ژوئن ۲۰۱۶ با حضور هنرمندانی از ۵۰ کشور جهان، در تهران برگزار شود.

■■■

حبیب‌الله بهمنی:

تولید فیلم‌های ارزشی در اولویت قرار ندارد

حبیب‌الله بهمنی، کارگردان سینما گفت: فرمایشات مقام معظم رهبری در رابطه با مساله نفوذ فرهنگی و جنگ نرم فصل‌الخطاب سینماگران است و لذا باید به هر طریق حتی تولید فیلم‌های کم‌هزینه خواسته ایشان تحقق یابد تا راه نفوذ مسدود شود. به گزارش سینماپرس، کارگردان فیلم سینمایی «سیب و سلما» افزود: وقتی مقام معظم رهبری مسیر مقابله با نفوذ فرهنگی دشمنان را بخوبی برای آحاد مردم و مسؤولان ترسیم می‌کنند و راهکارهای جامعی در این رابطه ارائه می‌دهند دیگر داشتن عذر و بهانه‌های مختلف توسط هنرمندان و سینماگران و مدیران جایز نیست و همگی باید با توجه به دغدغه‌ها و فرمایشات ایشان گام در راهی بگذارند تا رسالت خود را به درستی انجام داده و توطئه‌های دشمنان را در نطفه خفه کنند. این فیلمساز در ادامه این گفت‌وگو با بیان اینکه یکی از عمده‌ترین مشکلات ما در سینمای کشور نادیده گرفتن نیروهای ارزشی در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی است، اظهار داشت: بارها مشاهده شده است به این دسته از هنرمندان توجهی نمی‌شود و تولید فیلم‌های ارزشی دارای هیچ اولویتی نیست.